

اول دفتر

خیره شدن به این زیبایی‌های کوچک روزمره در حقیقت ابزاری است برای مقاومت در برابر زشتی جهان کنونی. به ما می‌گویند خود را از دریچه این راه بندها و سیم‌های خاردار تماشا کنید اما اشکال مقاومت بی شمار است: از کشاورزی که درختان زیتون خود را می‌کارد گرفته تا آن جوان فلسطینی که شوپن می‌نوازد همه می‌خواهند بگویند که نباید به بهانه مقاومت، زندگی را متوقف کرد. درون این ادبیات پر شعف، طرد اشتغالگری پنهان است، و اشتغال قصد دارد نیروی خلاقه را به انحصار خود در آورد همچنان که با خاطره این خاک چنین می‌کند. درست به همین دلیل است که بسیاری مرا «شاعر سیاسی» می‌خوانند و البته تلقی درستی است! احساسات مبهمی دارم، زبانم نیز مبهم شده است. در رام‌الله به‌واقع احساس نمی‌کنم در کشور خودم باشم، بلکه انگار در زندانی بزرگ قرار گرفته‌ام که در کشورم افراشته شده است. انگار هنوز از جنگال تبعید آزاد نشده‌ام. کسی که در تبعید کشورش را درون خود حمل می‌کند امروز همچنان خود را در تبعید می‌بیند؟ خلبان دکمه‌ای را فشار می‌دهد و ده دقیقه بعد به خانه خود می‌رود و شاید مشغول بازی با بچه‌های خود شود، بدون این که ببیند چند نفر را کشته است. آیا اگر جنایتی با ابزار بیچیده رخ دهد نام آن جنایت نیست؟ ربایش یک روزنامه‌نگار آمریکایی جنایت است، اما ربایش یک سرزمین به‌تمامی جنایت نیست.

منجمود درویش

